

سرسختی در نوجوانان فاقد و واجد والدین

محمد نریمانی*، عادل زاهد**، عباس ابوالقاسمی***، حدیثه محمودی****

مقدمه: خانواده بر ویژگی‌های شخصیتی کودک تأثیر ویژه‌ای داشته و تغییر در فرآیندهای درون - روانی اعضای خود ایجاد می‌کند و چون غیبت یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها اثر نامطلوبی بر رشد کودکان و نوجوانان می‌گذارد، بنابراین پژوهش حاضر به منظور مقایسه سرسختی روانشناختی در نوجوانان فاقد و واجد والدین انجام شده است. روش: جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ بود. از بین تمام مدارس متوسطه شهرستان اردبیل، ۱۸ مدرسه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و سپس با روش هم‌تاسازی، ۱۵۰ نوجوان (۷۵ دختر و ۷۵ پسر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. آزمودنی‌ها با پر کردن پرسش‌نامه سرسختی روانشناختی، در این پژوهش شرکت نمودند. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل واریانس دو متغیره استفاده شد. یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین نوجوانان فاقد و واجد والدین از نظر میزان سرسختی روانشناختی تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نوجوانان دختر و پسر از نظر میزان سرسختی تفاوت معناداری وجود نداشت. بحث: نوجوانان واجد والدین، سرسختی روانشناختی بیش‌تری نسبت به نوجوانان گروه فاقد پدر و فاقد مادر داشته و نوجوانان فاقد مادر، از سرسختی کم‌تری نسبت به نوجوانان دو گروه دیگر برخوردار هستند، شاید پایین بودن سرسختی نوجوانان فاقد والدین در مقابل گروه واجد والدین ناشی از وجود استرس بیش‌تر و سلامت روانی پایین آن‌ها باشد.

کلید واژه‌ها: سرسختی روانشناختی، نوجوان، فاقد و واجد والدین

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۰۵

* دکتر روانشناس دانشگاه محقق اردبیلی <narimani@uma.ac.ir>

** دکتر مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی

*** دکتر روانشناس دانشگاه محقق اردبیلی

**** کارشناس ارشد روانشناسی

مقدمه

خانواده، اساسی‌ترین واحدی است که هرکسی به آن تعلق دارد. خانواده یک نظام اجتماعی است که در آن رابطه اعضا با هم، رابطه‌ای عمیق و چند لایه است و افراد به وسیله‌ی علایق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، پایدار و متقابل به یکدیگر متصل می‌شوند.

خانواده بر رشد و تحول ویژگی‌های شخصیتی کودک، تأثیر ویژه‌ای دارد که صاحب نظران بر آن اتفاق نظر دارند (ککس و اسکالب، ۱۹۸۶، Ceces & Schwalbe؛ مهربابی‌زاده، ۱۳۷۹). از آن‌جا که تغییر و دگرگونی در خانواده، تغییر در فرآیندهای درون - روانی اعضای خود را به همراه دارد، پس فقدان یکی از والدین می‌تواند اثر زیادی بر روی شخصیت اعضای خانواده به ویژه فرزندان بگذارد (مینوچن، ۱۹۹۴، Minuchin؛ ترجمه ثنایی، ۱۳۷۵). رشد شخصیت کودک به شدت از والدین متأثر است و ممکن است غیبت یکی از والدین یا هر دو آن‌ها، اثرات نامطلوبی بر رشد کودک خواهد داشت و او را مستعد بیماری روانی یا مشکلات رفتاری بعدی خواهد ساخت (نیسی و همکاران، ۱۳۸۰). از این رو، فقدان والدین می‌تواند رشد شخصیت فرزندان را متأثر سازد که یکی از جنبه‌های مهم شخصیتی، سرسختی روانشناختی است به طوری که کوباسا (Kobasa، ۱۹۷۹) سرسختی^۱ را یک ویژگی شخصیتی می‌داند که در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی به عنوان یک منبع مقاومت و سپر محافظ عمل می‌کند. او با استفاده از نظریه‌های وجودی در شخصیت، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویش و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد^۲، کنترل^۳ و مبارزه‌جویی^۴ تشکیل شده و در عین حال یک ساختار واحد است که از عمل یکپارچه و هماهنگ این سه مؤلفه مرتبط باهم سرچشمه می‌گیرد. از نظر کوباسا (۱۹۷۹)، تعهد، احساس درآمیختگی با بسیاری از جنبه‌های زندگی مثل خانواده، شغل و روابط بین فردی است. فردی که این احساس را دارد، معنا و هدفمندی زندگی و کار و خانواده را دریافته است. کنترل، اعتقادی است مبنی بر این که رویدادهای زندگی و

1- hardiness

2- commitment

3- control

4- challenge

پیامدهای آن، قابل پیش بینی و کنترل هستند و می‌توان آن‌ها را تغییر داد. مبارزه‌جویی عبارت است از این باور که تغییر، جنبه‌ای عادی از زندگی است و وضعیت‌های مثبت یا منفی که به سازگاری مجدد نیاز دارند، فرصتی برای رشد و یادگیری بیش‌تر هستند نه تهدیدی برای امنیت و آسایش فرد (اربس و همکاران، ۲۰۱۱، Erbes). گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۵۱ گویای آن است که سلامت روانی کودکان، رابطه مستقیمی با وجود پیوسته مادران در کنار آن‌ها دارد (راتر، ۱۹۷۱، Rutter).

سرسختی روانشناختی چیزی فراتر از جمع سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. انعطاف‌پذیری روانشناختی افراد سرسخت، صرفاً از تأثیر انفرادی این سه مؤلفه سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه ناشی از شیوه مقابله‌ای خاصی است که با ترکیب پویای این مؤلفه هم‌خوان است (پارکز و رندال، ۱۹۸۸، Parkes & Rendall). در واقع، سرسختی روانشناختی ساختار واحدی است که به یکپارچه‌سازی مؤلفه‌هایش می‌پردازد و در آن‌ها یک همگونی ایجاد می‌کند (کوباسا و همکاران، ۱۹۸۸؛ به نقل از حمیلی، ۱۳۸۶). سرسختی روانشناختی به عنوان یک ویژگی شخصیتی، نگرش درونی خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه رویارویی افراد با مسایل مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نیز سرسختی روانشناختی باعث می‌شود که فرد استرس‌های خود را به صورتی واقع بینانه و با بلند نظری مورد توجه قرار دهد. همچنین، سرسختی روانشناختی زاینده دانشی است که بر مبنای آن، شخص برای پاسخ‌گویی به استرس‌زها به منابع بیش‌تری دست پیدا می‌کند؛ به عبارتی، یک احساس بنیادی از کنترل است که به فرد سرسخت امکان دستیابی به تعدادی از راهبردهای مفید و مؤثر را می‌دهد. در نهایت، سرسختی روانشناختی باعث تقویت و پرورش دیدی خوشبینانه نسبت به استرس‌های روانی می‌شود. در واقع، سرسختی روانشناختی سپری در برابر برانگیختگی شدید فیزیولوژیکی در اثر حوادث استرس‌زاست و برخی از محققان معتقدند استرس عامل آسیب‌پذیری مهم در مقابل بیماری‌ها می‌باشد (کوباسا، ۱۹۸۸؛ به نقل از حمیلی، ۱۳۸۶).

ویژگی‌های متعددی را می‌توان برای سرسختی روانشناختی مطرح نمود از جمله: ۱- حس کنجکاوای قابل توجه. ۲- تمایل به داشتن تجارب معنی‌دار. ۳- اعتقاد به مؤثر بودن آن چه که مورد تصور ذهنی قرار گرفته است. ۴- انتظار این که تغییر امری طبیعی است و هر محرک با اهمیت می‌تواند موجب رشد و پیشرفت گردد. ۵- ابراز وجود، نیرومندی و پرنرژی بودن. ۶- توانایی استقامت و مقاومت.

این ویژگی‌های مختلف می‌توانند در سازگاری با وقایع استرس‌آور زندگی مفید باشند. منطق انتخاب این ویژگی‌ها، ارزیابی شناختی خوش بینانه‌ای است که می‌تواند به رغم استرس‌زا بودن آن‌ها، باعث درک معنی‌دار و طبیعی ویژگی‌ها از سوی فرد شود. با این وجود، تصمیم‌گیری قاطعانه می‌تواند منجر به یکپارچگی آنان در تجارب آینده شود. به این ترتیب، افراد سرسخت، وقایع استرس‌آور را به وقایع قابل تحمل‌تر تبدیل می‌کنند (کوباسا، مدی و پوکتی، ۱۹۸۲). هم چنین آن‌ها دو تجربه‌ای را که احتمالاً منجر به شکل‌گیری سرسختی روانشناختی می‌شود بیان کرده‌اند. اول، احتمالاً افراد سرسخت‌الگوی در پیش رو داشته‌اند که آن را در زمینه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی سرمشق قرار داده‌اند و این الگوها با پیامدهای مثبت و سالمی روبه‌رو شده‌اند. دوم، از آن جا که سرسختی روانشناختی را می‌توان یاد گرفت، احتمالاً افراد در مواجهه با وقایع، احساس کارآمدی و کنترل بر محیط را کسب کرده‌اند (به نقل از کیامرثی و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). کوباسا، مدی و پوکتی (۱۹۸۲) معتقدند که احتمالاً تجارب دوره کودکی و تعامل با والدین و اطرافیان می‌تواند منجر به یک شخصیت سرسخت شود. محققین فوق در این زمینه بر جنبه‌های مثبت روابط تأکید دارند. به اعتقاد آن‌ها احساس کنترل می‌تواند ناشی از تجارب منظم و موفقیت در انجام وظایف باشد و مبارزه‌جویی را می‌توان از طریق تجارب متعدد با تغییرات در هنجارها برای کودک به وجود آورد. در این پژوهش این سؤال مطرح بود که آیا میزان سرسختی روانشناختی در نوجوانان فاقد و واجد والدین تفاوت دارد؟

روش تحقیق

۱-۲) روش اجرا

مطالعه پرونده شخصی دانش آموزان، اطلاعات شخصی آنان استخراج شد. اسامی دانش آموزان مورد نظر (گروه‌های فاقد پدر و فاقد مادر) در لیستی تهیه شد و سپس با استفاده از روش هم‌سازی از نظر سن و پایه تحصیلی آزمودنی‌های واجد والدین مشخص شدند. شیوه جمع‌آوری اطلاعات گروهی بوده و در محیط مدرسه انجام گرفت. ابتدا پرسش‌نامه محقق ساخته و سپس پرسش‌نامه سرسختی روانشناختی اجرا شد و برای بررسی تفاوت میانگین سرسختی روانشناختی نوجوانان فاقد و واجد والدین و نیز تعامل گروه‌های فاقد پدر، فاقد مادر و واجد پدر و مادر با جنسیت آزمودنی‌ها، از تحلیل واریانس دو متغیری استفاده شد.

۲-۲) جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان اردبیل بودند که تعدادشان ۳۳۹۴۲ نفر (۱۶۱۰۹ دختر و ۱۷۸۳۳ پسر) بود. در ابتدا با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۱۷ مدرسه به عنوان خوشه‌های مطالعه انتخاب شدند. در مرحله دوم تعداد ۱۰۳ کلاس انتخاب گردید و در مرحله سوم با استفاده از روش نمونه‌گیری دسترس و شیوه هم‌سازی، تعداد ۱۵۰ نفر (۷۵ دختر و ۷۵ پسر) در ۳ گروه ۵۰ نفری (هر گروه ۲۵ دختر و ۲۵ پسر) تحت عنوان فاقد پدر، فاقد مادر و دارای والدین انتخاب شدند. علت انتخاب ۲۵ نفر برای هر زیر گروه به روش تحقیق مطالعه که علی - مقایسه‌ای است بر می‌گردد چون که در تحقیقات علی - مقایسه‌ای هر زیر گروه ۱۵ نفر باید انتخاب شود. اما برای افزایش اعتبار بیرونی این مطالعه ۲۵ نفر برای هر زیر گروه انتخاب شده است. (لازم به ذکر است که تحصیل در مدارس دوره متوسطه شهرستان اردبیل در سال ۱۳۸۸ و برای گروه اول فقدان تنها پدر و برای گروه دوم فقدان تنها مادر و گروه سوم واجد والدین از ملاک‌های ورود در مطالعه محسوب می‌شده است).

۲-۳) ابزار جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسش‌نامه محقق ساخته و پرسش‌نامه سرسختی روانشناختی استفاده شد. در پرسش‌نامه محقق ساخته سؤال‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از آزمودنی پرسیده شد که این سؤال‌ها توسط پژوهشگر طرح شده بود. برای سنجش سرسختی از پرسش‌نامه سرسختی که توسط پولتی و همکاران (۱۹۸۹) آماده شده بود، استفاده شد. این ابزار یک مقیاس خودگزارش‌دهی مداد - کاغذی است که دارای ۴۵ سؤال است. این آزمون سه خرده‌مقیاس (بعد) را می‌سنجد که عبارتند از تعهد، کنترل و مبارزه جویی. ضریب اعتبار هم‌زمان سرسختی روانشناختی با آزمون کوباسا برای متغیر تعهد ۰/۴۸، برای متغیر کنترل ۰/۳۵، و برای متغیر مبارزه‌جویی ۰/۳۸ می‌باشد. ضرایب همسانی درونی مقیاس سرسختی روانشناختی برای خرده‌مقیاس‌های تعهد ۰/۶۶، کنترل ۰/۸۲، و مبارزه‌جویی ۰/۶۲ بوده است. همچنین پایایی کل مقیاس سرسختی روانشناختی ۰/۸۵ می‌باشد. نتایج بازآزمایی مقیاس سرسختی ۰/۷۴ را نشان می‌دهد (به نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر، پایایی این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمده است.

۲-۴) تحلیل داده‌ها

تحقیق حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس دو متغیری استفاده شده است.

نتایج

نمونه شامل ۳ گروه ۵۰ نفری دختر و پسر (فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین) بود که همگی در مقطع دبیرستان بودند (سال اول ۵۴، سال دوم ۵۴ و سال سوم ۴۲ نفر). بیش‌تر نمونه‌ها والد خود را در سن ۴ تا ۷ سالگی از دست داده بودند. دانش‌آموزان در دامنه سنی

۱۵ الی ۱۸ سال قرار داشتند و میانگین سنی آن‌ها ۱۶/۵ سال بوده است. همچنین همه دانش آموزان در مدارس دولتی تحصیل می‌کردند و ساکن شهر اردبیل بودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سرسختی (و مولفه‌های آن) در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و

واجد والدین

دختر		پسر		جنسیت	
انحراف معیار SD	میانگین M	انحراف معیار SD	میانگین M	گروه‌ها	سرسختی روانشناختی (و مؤلفه‌های آن)
۷/۳۰	۴۵/۴۴	۷/۱۰	۴۴/۸۴	فاقد پدر	تعهد
۹/۴۳	۳۳/۸۸	۹/۰۵	۳۵/۶۸	فاقد مادر	
۳/۰۲	۵۰/۶۸	۲/۵۶	۵۰/۴۸	واجد والدین	
۹/۹۵	۴۳/۳۳	۹/۱۰	۴۳/۶۶	کل	
۸/۱۷	۴۴/۶۸	۷/۹۰	۴۳/۸۰	فاقد پدر	کنترل
۶/۵۶	۳۲/۱۶	۶/۹۲	۳۲/۵۲	فاقد مادر	
۴/۹۸	۴۹/۰۸	۵/۳۷	۴۹/۴۴	واجد والدین	
۹/۷۸	۴۱/۹۷	۹/۷۶	۴۱/۹۲	کل	
۸/۰۶	۴۴/۶۸	۷/۹۹	۴۳/۸۸	فاقد پدر	مبارزه‌جویی
۳/۶۵	۳۴/۳۶	۲/۸۸	۳۴/۶۸	فاقد مادر	
۳/۸۴	۴۹/۴۸	۵/۱۹	۴۹/۵۶	واجد والدین	
۸/۳۹	۴۲/۸۴	۸/۳۸	۴۲/۷۰	کل	
۲۱/۴۱	۱۳۴/۸۰	۴/۲۵	۱۳۲/۵۲	فاقد پدر	کل
۱۹/۱۲	۱۰۰/۴۰	۳/۵۵	۱۰۲/۸۸	فاقد مادر	
۹/۶۵	۱۴۹/۲۴	۲/۲۶	۱۴۹/۴۸	واجد والدین	
۲۶/۸۸	۱۲۸/۱۴	۲/۹۸	۱۲۸/۲۹	کل	

همان‌طورکه در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین (و انحراف معیار) سرسختی روانشناختی نوجوانان پسر در گروه فاقد پدر (۱۳۲/۵۲) (۴/۲۵) در گروه فاقد مادر

۱۰۲/۸۸ (۳/۵۵) و در گروه واجد والدین ۱۴۹/۴۸ (۲/۲۶) می باشد. همچنین میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه تعهد در گروه فاقد پدر ۴۴/۸۴ (۷/۱) در گروه فاقد مادر ۳۵/۶۸ (۹/۰۵) و در گروه واجد والدین ۵۰/۴۸ (۲/۵۶) بوده و میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه کنترل در گروه فاقد پدر ۴۳/۸ (۷/۹) در گروه فاقد مادر ۳۲/۵۲ (۶/۹۲) و در گروه واجد والدین ۴۹/۴۴ (۵/۳۷) بوده و میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه مبارزه جویی در گروه فاقد پدر ۴۳/۸۸ (۷/۹۹) در گروه فاقد مادر ۳۴/۶۸ (۲/۸۸) و در گروه واجد والدین ۴۹/۵۶ (۵/۱۹) می باشد. همچنین همان طور که ملاحظه می شود، میانگین (و انحراف معیار) سرسختی روانشناختی نوجوانان دختر در گروه فاقد پدر ۱۳۴/۸ (۲۱/۴۱) در گروه فاقد مادر ۱۰۰/۴ (۱۹/۱۲) و در گروه واجد والدین ۱۴۹/۲۴ (۹/۶۵) می باشد. همچنین میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه تعهد در گروه فاقد پدر ۴۵/۴۴ (۷/۳) در گروه فاقد مادر ۳۳/۸۸ (۹/۴۳) و در گروه واجد والدین ۵۰/۶۸ (۳/۲۰) بوده و میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه کنترل در گروه فاقد پدر ۴۴/۶۸ (۸/۱۷) در گروه فاقد مادر ۳۲/۱۶ (۶/۵۶) و در گروه واجد والدین ۴۹/۰۸ (۴/۹۸) بوده و میانگین (و انحراف معیار) مؤلفه مبارزه جویی در گروه فاقد پدر ۴۴/۶۸ (۸/۰۶) در گروه فاقد مادر ۳۴/۳۶ (۳/۶۵) و در گروه واجد والدین ۴۹/۴۸ (۳/۸۴) می باشد.

جدول ۲. تحلیل واریانس دومتغیری برای مقایسه مؤلفه تعهد در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و

واجد والدین

مقدار p	F	MS	df	SS نوع III	منابع تغییر
۰/۰۰۰	۶۶/۵	۳۲۲۱/۳۶	۲	۶۴۴۲/۷۲	گروه
۰/۷۷۰	۰/۰۸	۴/۱۶	۱	۴/۱۶	جنسیت
۰/۶۵۴	۰/۴۲	۲۰/۶۶	۲	۴۱/۳۳	گروه × جنسیت
		۴۸/۴۳	۱۴۴	۶۹۷۵/۲۸	خطا
			۱۵۰	۲۹۷۳۰۱	کل

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات مؤلفه تعهد در گروه‌های نوجوانان فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$)، اما بین میانگین نمرات مؤلفه تعهد در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری به دست نیامد ($P > 0/05$) و همچنین بین تعامل گروه و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۳. آزمون تعقیبی برای مقایسه مؤلفه تعهد در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین

مقدار p	خطای معیار	تفاوت میانگین (I-J)	گروه J	گروه I
0/000	1/39	10/36	فاقد مادر	فاقد پدر
0/000	1/39	-5/44	واجد والدین	فاقد پدر
0/000	1/39	-10/36	فاقد پدر	فاقد مادر
0/000	1/39	-15/80	واجد والدین	فاقد مادر
0/000	1/39	5/44	فاقد پدر	واجد والدین
0/000	1/39	15/80	فاقد مادر	واجد والدین

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مؤلفه تعهد در گروه‌های «فاقد پدر، فاقد مادر»، «فاقد پدر، واجد والدین» و «فاقد مادر، واجد والدین» تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بیش‌ترین میزان تعهد را گروه واجد والدین دارا هستند و گروه فاقد مادر از کم‌ترین میزان تعهد برخوردارند.

جدول ۴. تحلیل واریانس دومتغیری برای مقایسه مؤلفه کنترل در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و

واجد والدین

مقدار p	F	MS	df	SS نوع III	منابع تغییر
0/000	82/71	3775/8	2	7551/61	گروه
0/962	0/002	0/1	1	0/107	جنسیت
0/869	0/14	6/4	2	12/81	گروه × جنسیت
		45/64	144	6573/04	خطا
			150	2780/66	کل

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات مؤلفه کنترل در گروه‌های نوجوانان فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$)، اما بین میانگین نمرات مؤلفه کنترل در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری به دست نیامد ($P > 0/05$) و همچنین بین تعامل گروه و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۵. آزمون تعقیبی برای مقایسه مؤلفه کنترل در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین

مقدار p	خطای معیار	تفاوت میانگین (I-J)	گروه J	گروه I
۰/۰۰۰	۱/۳۵	۱۱/۹۰	فاقد مادر	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۱/۳۵	-۵/۰۲	واجد والدین	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۱/۳۵	-۱۱/۹۰	فاقد پدر	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۱/۳۵	-۱۶/۹۲	واجد والدین	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۱/۳۵	۵/۰۲	فاقد پدر	واجد والدین
۰/۰۰۰	۱/۳۵	۱۶/۹۲	فاقد مادر	واجد والدین

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات کنترل در گروه‌های «فاقد پدر، فاقد مادر»، «فاقد پدر، واجد والدین» و «فاقد مادر، واجد والدین» تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بیش‌ترین میزان کنترل را گروه واجد والدین دارا هستند و گروه فاقد مادر از کم‌ترین میزان کنترل برخوردارند.

جدول ۶. تحلیل واریانس دومتغیری برای مقایسه مؤلفه مبارزه‌جویی در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد

مادر و واجد والدین

مقدار p	F	MS	df	SS نوع III	منابع تغییر
۰/۰۰۰	۹۰/۴	۲۸۹۷/۶۲	۲	۵۷۹۵/۲۵	گروه
۰/۸۸۶	۰/۰۲	۰/۶۶	۱	۰/۶۶	جنسیت
۰/۸۷۳	۰/۱۳	۴/۳۴	۲	۸/۶۹	گروه × جنسیت
		۳۲/۰۵	۱۴۴	۴۶۱۵/۶۸	خطا
			۱۵۰	۲۸۴۸۵۴	کل

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات مؤلفه مبارزه‌جویی در گروه‌های نوجوانان فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$)، اما بین میانگین نمرات مؤلفه مبارزه‌جویی در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری به دست نیامد ($P > 0/05$) و همچنین بین تعامل گروه و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۷. آزمون تعقیبی برای مقایسه مؤلفه مبارزه‌جویی در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین

مقدار p	خطای معیار	تفاوت میانگین (I-J)	گروه J	گروه I
۰/۰۰۰	۱/۱۳	۹/۷۶	فاقد مادر	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۱/۱۳	-۵/۲۴	واجد والدین	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۱/۱۳	-۹/۷۶	فاقد پدر	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۱/۱۳	-۱۵/۰	واجد والدین	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۱/۱۳	۵/۲۴	فاقد پدر	واجد والدین
۰/۰۰۰	۱/۱۳	۱۵/۰	فاقد مادر	واجد والدین

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مبارزه‌جویی در گروه‌های «فاقد پدر، فاقد مادر»، «فاقد پدر، واجد والدین» و «فاقد مادر، واجد والدین» تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بیش‌ترین میزان مبارزه‌جویی را گروه واجد والدین دارا هستند و گروه فاقد مادر از کم‌ترین میزان مبارزه‌جویی برخوردارند.

جدول ۸. تحلیل واریانس دو متغیری برای مقایسه سرسختی روانشناختی در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین

مقدار p	F	MS	df	SS نوع III	منابع تغییر
۰/۰۰۰	۹۷/۸	۲۹۵۷۴/۷۴	۲	۵۹۱۴۹/۴۸	گروه
۰/۹۵۹	۰/۰۰۳	۰/۸	۱	۰/۸	جنسیت
۰/۷۹۱	۰/۲۳	۷۰/۸۸	۲	۱۴۱/۷۷	گروه x جنسیت
		۳۰۲/۴	۱۴۴	۴۳۵۴۵/۶۸	خطا
			۱۵۰	۲۵۶۸۱۹۳	کل

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات سرسختی در گروه‌های نوجوانان فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$)، اما بین میانگین نمرات سرسختی در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری به دست نیامد ($P > 0/05$) و همچنین بین تعامل گروه و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۹. آزمون تعقیبی برای مقایسه سرسختی روانشناختی در نوجوانان سه گروه فاقد پدر، فاقد مادر و واجد والدین

مقدار p	خطای معیار	تفاوت میانگین (I-J)	گروه J	گروه I
۰/۰۰۰	۳/۴۷	۳۲/۰۲	فاقد مادر	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۳/۴۷	-۱۵/۷	واجد والدین	فاقد پدر
۰/۰۰۰	۳/۴۷	-۳۲/۰۲	فاقد پدر	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۳/۴۷	-۴۷/۷۲	واجد والدین	فاقد مادر
۰/۰۰۰	۳/۴۷	۱۵/۷	فاقد پدر	واجد والدین
۰/۰۰۰	۳/۴۷	۴۷/۷۲	فاقد مادر	واجد والدین

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات سرسختی روانشناختی در گروه‌های «فاقد پدر، فاقد مادر»، «فاقد پدر، واجد والدین» و «فاقد مادر، واجد والدین» تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بیش‌ترین میزان سرسختی روانشناختی را گروه واجد والدین دارا هستند و گروه فاقد مادر از کم‌ترین میزان سرسختی روانشناختی برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که میزان سرسختی روانشناختی و مؤلفه‌های آن در نوجوانان واجد والدین با هم متفاوت است. به این معنا که میزان سرسختی روانشناختی و مؤلفه‌های آن در نوجوانان واجد والدین بالاتر از نوجوانان گروه فاقد پدر و گروه فاقد مادر است و میزان آن در نوجوانان فاقد مادر پایین‌تر از نوجوانان گروه فاقد پدر و گروه واجد والدین است.

در تبیین این یافته‌ها و بر اساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان از این استدلال منطقی کمک گرفت: طبق یافته‌های کندلر (Kendler، ۱۹۹۶) و آلن (Alan، ۱۹۹۸) فقدان والدین در دوره کودکی و نوجوانی، با اختلال‌های رفتاری همچون افسردگی و اضطراب رابطه معناداری دارد. مطالعات اینزلیچت و همکاران (Inzlicht، ۲۰۰۶) نیز نشان داده‌اند که بین میزان سرسختی روانشناختی و میزان افسردگی و اضطراب رابطه معکوس وجود دارد. که این نتیجه در یافته‌های کوباسا (۱۹۷۹)، فونک و هوستن (Funk & Houston، ۱۹۸۷)، رودوالد و زون (Rhodewalt & Zone، ۱۹۸۹)، آلدرد و اسمیت (Allerd & Smith، ۱۹۸۹)، به دست آمده است. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که افراد فاقد والدین از لحاظ سرسختی روانشناختی و مؤلفه‌های آن نمره کم‌تری نسبت به افراد واجد والدین کسب می‌کنند.

همچنین می‌توان از استدلال منطقی دیگری نیز برای تبیین تفاوت سرسختی روانشناختی بین نوجوانان فاقد و واجد والدین استفاده کرد: طبق یافته‌های کوکسی و همکاران (Cooksey، ۱۹۹۶) و مک‌لن‌هان و همکاران (Maklenhane، ۱۹۹۴)؛ به نقل از نیسی، (۱۳۸۰) این نتیجه به دست آمد که عملکرد تحصیلی کودکان فاقد والد پایین‌تر از عملکرد تحصیلی کودکان عادی است. شارپ (Sharpe، ۲۰۰۴) بیان کرد که کنترل رفتار کودکان توسط والدین می‌تواند سبب موفقیت تحصیلی آن‌ها شود. از طرفی دیگر ورودی (۱۳۸۰) نشان داد که سرسختی روانشناختی بالاتر، با موفقیت تحصیلی بیش‌تری نیز همراه است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به احتمال زیاد افراد فاقد والدین، سرسختی روانشناختی پایین‌تری نسبت به افراد واجد والدین دارند.

علاوه بر تبیین فوق، استدلال منطقی دیگری نیز می‌توان برای نتایج مطالعه حاضر ارائه نمود: سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۵۱ گزارش کرد که سلامت روانی کودکان رابطه مستقیمی با وجود پیوسته و شبانه روزی مادران در کنار آن‌ها دارد. یافته‌های سلمانیان (۱۳۸۳) نشان داد که از دست دادن یکی از والدین در دوره کودکی، سلامت

روانی فرزندان را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. از طرفی دیگر، تحقیقات هجمدال و همکاران (Hajemdal، ۲۰۰۶) نشان داد افرادی که سرسخت‌تر هستند، از استرس کم‌تر و به تبع آن از سلامت روانی و سلامت جسمانی بالاتری برخوردارند.

بین نوجوانان دختر و پسر از نظر میزان سرسختی روانشناختی تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0/05$). بدین معنا که از نظر سرسختی روانشناختی و مؤلفه‌های آن (تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی) نوجوانان پسر و دختر با هم تفاوتی نداشتند و این یافته با مطالعات شپرد و همکاران (Shepperd، ۱۹۹۱) و پارکز و رندال (۲۰۰۲) همخوان است.

بنابراین در پژوهش حاضر نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میزان سرسختی روانشناختی و مؤلفه‌های آن (تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی) در نوجوانان واجد والدین بیش‌تر از سایر گروه‌ها بوده و میزان آن در گروه فاقد مادر از همه کم‌تر است. پس در این‌جا نقش مادر در ایجاد سرسختی روانشناختی در کودک پررنگ‌تر می‌شود. از آن‌جا که سرسختی روانشناختی بالا با احساس توانمندی در رویارویی با مشکلات، سبک تبیین خوشبینانه، سلامت روانی بالا، عملکرد تحصیلی بالا و مشکلات رفتاری پایین رابطه‌ی مثبت دارد، پس ضروری است که اگر کودکی یکی از والدین خود به ویژه مادر خود را از دست داد، به سرعت جایگزین ثابت و مناسبی برای آن در نظر گرفته شود، و همچنین با آموزش نحوه‌ی ایجاد سرسختی و مؤلفه‌های آن به والدین، آنان را در تربیت فرزندان سالم‌تر و جامعه‌ای بهتر یاری دهیم. وجود تفاوت‌های فردی آزمودنی‌ها از عوامل تهدید کننده‌ی اعتبار درونی تحقیق می‌باشد. همچنین تعمیم نتایج تنها به دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های شهرستان اردبیل (۱۳۸۸) از عوامل تهدید کننده‌ی اعتبار بیرونی مطالعه محسوب می‌شود.

- ابوالقاسمی، ع. نریمانی، م. ۱۳۸۴. *آزمون‌های روانشناختی*. اردبیل، انتشارات باغ رضوان. چاپ اول.
- حمیلی، ن. ۱۳۸۶. *مقایسه سبکهای دلبستگی، نگرش‌های مختل و عدم تحمل بلا تکلیفی در اختلال‌های وسواس، اضطراب و افسردگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی.
- سلمانیان، ص. ۱۳۸۳. *بررسی و مقایسه ویژگی‌های مهم آزمون ترسیم خانواده کودکان (۷ تا ۱۲ ساله)*، واجد و فاقد پدر در شهر رشت در سال ۸۳-۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- کیمرثی، آ. ابوالقاسمی، ع. ۱۳۸۵. *روانشناسی سرسختی*. اردبیل. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل. چاپ اول.
- مهرابی‌زاده، م. نجاریان، ب. بحرینی، ش. ۱۳۷۹. *رابطه شیوه‌های فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه‌های خودپنداشت*. *مجله روانشناختی*، سال چهارم، شماره ۱، ص ۸۳-۹۷.
- مینوچن، س. ۱۹۹۴. *خانواده و خانواده درمانی*. ترجمه‌ی ثنایی. ب. ۱۳۷۵. تهران. انتشارات امیرکبیر.
- نیسی، ع. نجاریان، ب. پورفرجی، ف. ۱۳۸۰. *مقایسه عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی دانش آموزان پسر فاقد و واجد پدر با توجه به نقش تعدیل کننده حمایت اجتماعی در پایه اول دبیرستانهای شهرستان اهواز*. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*. دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره سوم، سال هشتم، شماره ۳ و ۴، ص ۸۶-۹۷.
- ورودی، م. ۱۳۸۰. *رابطه کمالگرایی و سرسختی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Alan, S. 1998. Dynamic underpinnings of father hungry as illuminated in 5-years old to puberty. *Journal of Psychoanalytic study of the child*. 52, 227-245.
- Allerd, K.D., & Smith, T.W. 1989. The hardy personality: Cognitive and physiological responses to evaluative threat. *Journal of personality and Social Psychology*. 56, 257-266.

- Ceces, V., & Schwalbe. M. 1986. Parental behavior and adolescent self-esteem. **Journal of the Marriage and the family**. 48, 37- 46.
- Cooksey, Elizabeth, C. and Fondell, Michelle, M. 1996. "Spending Timewith his kids: Effects of Family Structure on fathers and childrens lives. **Journal of Marriage and the family**. 58, 693-707.
- Erbes, H.R., Arbis, R.A, Kehle, S.M., Ferrier-Auerbach, A.G., Barry, R.A.,Melissa A. Polusny, M.A. (2011).The distinctiveness of hardiness, positive emotionality, and negative emotionality in National Guard soldiers. **Journal of Research in Personality**. 45: 508-512
- Funk, S.C., & Houston, B.K. 1987. A Critical analysis of the hardiness scale Vakidity and utikity. **Journal of personslity and social psychology**. 53, 527-578.
- Hajemdal, O., Friborg, O., Stiles, T.C., Rosenvinge, J.H., & Martinussen, M. 2006. Resilience predicting psychiatric symptoms: A prospective study of protectives factors and their role in adjustment to negative life events. **Clinical Psychology and Psychotherapy**. 13, 194-201.
- Inzlicht M., Aronson J., Good C., & Mckay L. 2006. A particular resiliency to threatening environments. **Journal of Experimental Social Psychology**, 42: 323- 336.
- Kendler, K. 1996. Childhood parental loss and alcoholism in women. **Journal of Psychological Medicine**. 26, 47-56.
- Kobasa S. C. 1979. Stressful events, personality and health: A inquiry in to hardiness. **Journal of personality and social psychology**. 37: 1-11.
- Kobasa S. C., Maddi S. R., & Puccetti M. C. 1982. Personality and exercise as buffers in the stress- illness relationship. **Journal of Behavioral Medicine**. 5, 391- 404.
- Parkes K. R., & Rendall D. 1988. The hardy personality and its relationship to extraversion and neuroticism. **Journal of Personality and Individual Differences**. 9, 785- 790.
- Parkes K. R. & Rendall D. 2002. The hardy personality and its relationship to extraversion and neuroticism. **Personality and Individual Differences**. Vol, 9(4): 785- 790.
- Rhodewalt, F.,& Zone, J.b. 1989. Appraisal of life chang, depression and illness in hardy and nonhardy women. **Journal of Personality and Social Psychology**. 56, 81-88.
- Rutter, M. 1971. Parent-child separation, Psychological effects on the children. **Jurnal of child Psychology and Psychiatry**. 12, 233- 245.
- Sharpe K. 2004. **Parental influence on the development of children**. Available: [https://people.creighton.edu/lids24708/Genes%20poster/parenting Sharpe. doc](https://people.creighton.edu/lids24708/Genes%20poster/parenting%20Sharpe.doc).
- Shepperd J. A. & Kashani J. H. 1991. **The relationship of hardiness, gender and stress to health outcomes in adolescents**. 59, 747- 768.